

بررسی تطبیقی آرمانشهر سهراب سپهری و فروغ فرخزاد

مسعود حق لسان^{۱*}، سینا سیدزایر^۲

۱- استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلخچی، گروه معماری، ایلخچی، ایران
۲- دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی جلفا، جلفا، ایران

چکیده

آرمانشهرجویی، اندیشه انکار ناپذیر است که همراه دغدغه های اصلی روشن اندیشان و صاحبان خرد و اندیشه در طول تاریخ بوده است و حضوری بارز در ادبیات و شعر داشته است. از بزرگان علم و ادب تمدن های باستان تا شاعران بزرگ معاصر مشرق زمین، آرزومند رسیدن به دنیایی آرمانی بوده اند. دنیایی که هر یک از زاویه خاص آن را مقابل دنیای دیگر انسان ها، ایده آل می دانند. در واقع آرمانشهر بازتابی از آرزوی نویسنده برای سعادت و خوشبختی کامل زندگی مردم می باشد. آرمانشهر ایرانی در ادوار مختلف به شکل های متفاوت ظاهر شده است. اما به نظر می رسد آرمانشهر شاعران خصوصیات مشترکی دارد، چرا که ویژگی های آرمانشهر ها نیز بر اساس زندگی انسانی یعنی تکامل و بقاست که در واقع آرزوی تحقق جامعه طلایی در قالب تلفیق مفاهیم معنوی و مادی و برخاسته از جامعه آن زمان را به خود گرفته است. بنابراین هر اندیشمندی نیک شهر خویش را از منظری خاص در قالب شعر بیان کرده است. در این میان سهراب سپهری و فروغ فرخزاد، آرمانشهر را با ویژگی های خاص مربوط به اندیشه خود در اشعار خویش به تصویر کشیده اند. مقاله حاضر با جستجو در اشعار دو شاعر بر آن است تا عمده ترین دغدغه های آنها را که سبب پی ریزی شهری آرمانی گردیده است، بیان کرده و سپس به تطبیق آرمانشهر این دو شاعر بزرگ در آثار آنها مورد بررسی قرارگیرد که می تواند سبب پی بردن به درک آرمانشهری در بعد معماری و شهرسازی معاصر شویم.

واژه های کلیدی: آرمانشهر، معماری، شهرسازی، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری.